

نظام شهرسازی و توسعه شهری در ایران دوره ساسانی (۲۲۴-۶۵۱ م.)

محمد مهدی جهان پرور (نویسنده مسئول)

دکترای تاریخ، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، تهران، ایران

Jahan6814@gmail.com

زهرا جهان پرور

کارشناسی تاریخ، دانشگاه الزهرا، تهران، ایران

تاریخ دریافت: ۹۸/۷/۲۴ تاریخ پذیرش: ۹۹/۳/۱

چکیده

شهر و شهرسازی یکی از ویژگی‌های تمدن بشری به شمار می‌رود. این پدیده از دو عصر انسانی و ایدئولوژیکی به وجود آمده و بازتاب اوضاع و احوال اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و اقتصادی حاکم بر فضای جامعه است که به مرور در بستر زمان تحول یافته است. شهرسازی و توسعه شهری در دوره ساسانی یکی از مهمترین این تحولات است که در این پژوهش مورد توجه قرار گرفته و هدف از آن شناخت عوامل مؤثر بر بافت و الگوی شهری، مطالعه فضای کالبدی شهر و کارکردهای آن و نیز بررسی رابطه احداث شهر با اعتقادات جامعه عصر ساسانی است. در این پژوهش تحلیلی با بهره‌مندی از داده‌ها و اطلاعات اسنادی و کتابخانه‌ای، شهر و نظام شهرسازی ایران دوره ساسانی مورد مطالعه و واکاوی قرار گرفته است و به اقتضای شرایط زیست بوم، نوعی همطرازی در سبک شهرسازی ایرانیان دوره مذکور با مؤلفه‌های زیست محیطی و ایدئولوژیکی پدید آمده که علاوه بر رشد سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و نظامی، رونق اقتصادی را نیز در پی داشته است که می‌توان از این تجارب در شرایط کنونی بهره برد.

کلیدواژه‌ها: شهر، شهرسازی، توسعه شهری، دوره ساسانی، ایران.

شهر سازی در ایران باستان متأثر از دین و اعتقادات بود و آموزه‌های دین زرتشت و جهان بینی حاکم بر جامعه بر اشکال و بافت بناهای ساخته شده تأثیر فراوانی داشت. در این دوره ساخت شهرها تابع تحولات تاریخی و ساختار اجتماعی بود و در پیدایش و رشد آن عوامل گوناگون و متعددی دخیل بوده‌اند. از نظر محققان شهرها مراکزی هستند که از سان در آنها با استفاده از منابع اطراف خود، به کارهای تولیدی و خدماتی مشغول است (مجتهدزاده، ۱۳۸۸، ۱) و لذا آنان تحولات شهری در دوره ساسانی را متأثر از شرایط و نیازهای سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی می‌دانند که ریشه در گذشته دارد. در این دوره رشد مناسبات فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی در شهرهای ایران به سطحی رسید که پیش از آن در دوره باستان سابقه نداشت. پدیده شهر و شهر سازی به عنوان مهمترین منبع درآمدی برای شاهان و نیز گرانیگاه جمعیتی بود و سیاست ساسانیان، به اجرای بسیاری از طرح‌ها از جمله توسعه خطوط مواصلاتی، ایجاد بناها، گسترش امنیت و گسترش نظام بازار در قلمرو پهنای ایران می‌انجامید (یوسفی فر، ۱۳۹۰، ۶۰). در این دوره مرحله تازه‌ای از تقسیم کار اجتماعی به وجود آمد و شهرها به عنوان مکان استقرار طبقات جامعه قرار گرفت که با گسترش روزافزون نیروهای مولد، به مرور شهرها از جامعه روستایی جدا شدند و رشد بازرگانی درآمدهای فراوانی را نصیب شاهان می‌کرد. این رونق تجاری در ساخت شهرها، رشدگرایی و مناسبات اجتماعی و اقتصادی مؤثر بود. در این دوره مناسبات شهری با رشد نیروهای مولد روستایی رشد و تکامل می‌یابد و با طراحی و انجام مناسبات فنی، برخی از شهرهای کهن که به دلایل مختلف به انحطاط گراییده بودند، احیاء شدند و بسیاری از روستاها به شهر تبدیل شد. اقدامات ساسانیان در زمینه شهر سازی و توسعه شهری، شهرهای این دوره را از شهرهای دوره‌های قبل و بعد از خود متمایز می‌کرد. در این دوره حتی اسکان اسیران رومی و بردگان جنگی در شهرها گامی دیگر در حمایت از توسعه شهری بود و به کارگیری آنان در ساخت و توسعه شهری و استفاده از تخصص آنان منجر به تلفیق هنرهای ایرانی و دیگر جوامع در معماری‌ها و ساخت بناها به اشکال مدور، مستطیلی، نامنظم، شطرنجی و جانوری شد. در حوزه شهر

و شهرسازی در عصر ساسانی مقالات و آثار زیادی به نگارش درنیامده است و لذا نیازمند گسترش دامنه تحقیقات با توجه به کشفیات جدید در این زمینه است. بنابراین در این پژوهش، به بررسی علل گسترش شهرسازی و نقش و کارکرد شهرها در دوره ساسانی با بهره‌مندی از داده‌ها و اطلاعات اسنادی و کتابخانه‌ای و با رویکرد تحلیلی-توصیفی به روش کیفی پرداخته شده است و به این پرسش که چه عواملی در شهرسازی و تحول شهری دوره ساسانی دخیل بوده‌اند؟ پاسخ داده شده است.

شهرگرایی در عصر ساسانی

شهرسازی در دوره ساسانیان برخلاف دوره اشکانی بسیار گسترش یافت و این موضوع سرلوحه اهداف شماری از شاهان این سلسله که از قدرت سیاسی، نظامی و اقتصادی مناسبتی برخوردار بودند، قرار گرفت (مهرآفرین، ۱۳۹۳، ۲۵). در تاریخ کشورهای جهان فرمانروایان هیچ کشوری به اندازه شاهان ساسانی به شهرسازی دلبستگی نداشتند. در بین شهریاران سلسله ساسانی یکی از نشانه‌های بهتر رهبری کردن هر شاهنشاه توجه وی به ساختمان و آبادانی شهر و ساختن شهرهای تازه است (بهرامی، ۱۳۵۶، ۲۱۷). به خصوص اردشیر اول که در جهت ایجاد و مرمت و گسترش آبادانی شهرها بسیار کوشید و مخصوصاً شهرهای متعددی در بین‌النهرین و فارس به وجود آورد (کریستن سن، ۱۳۶۷، ۱۶). شاید اردشیر با این اقدام می‌خواست تحولی نو در سلسله مراتب اجتماعی و اقتصادی مملکت ایجاد کند. متن کوچکی به زبان پهلوی ساسانی از سده سوم هجری قمری به جا مانده است که حاوی نام شهرها و سازندگان آنها است (مهرآفرین، ۱۳۹۳، ۲۵). ظهور دولت ساسانی در واقع اولین حرکت جامعه شهری برای رسیدن به قدرت است. نطفه اصلی این دولت در شهر بسته شد (امانی‌پور و دیگران، ۱۳۹۴، ۳). ساسانیان در عین گرفتاری‌های ممتد در میدان‌های جنگ و جنگ‌های متوالی، هیچگاه از عمران و آبادی و ساختمان شهرها و کاخ‌های با عظمت و باشکوه و بنای پل‌ها و سدها و کاریزها و احداث طرق و شوارع بین شرق و غرب غفلت نوردیدند (بهرامی، ۱۳۵۶، ۲۱۸). شهر دارای حصار بود و چهار دروازه به سوی عالم داشت که یادآور جهات اربعه است،

تقسیم شهر نیز به چهار قسمت ناشی از این جهان بینی بوده است. شهرهای بسیاری از جمله نیشابور، همدان و دارابگرد چهار دروازه داشتند (نظریان، ۱۳۸۸، ۷۳). در این زمان حدود ۱۰۴ شهر وجود داشته که تولید خود را با ممالک مختلفی همچون چین، هند و حبشه مبادله می‌کرده و رونق تجاری ویژه‌ای داشته‌اند (تاشکری، ۱۳۵۵، ۳۸-۳۵). در مجموع، شهرنشینی نقش به‌سزایی در چگونگی ساختار زندگی ایرانیان داشته است (رضوی، ۱۳۸۸، ۳). شهرها در این دوره به دو شکل نظامی برای دفاع از مرزها و اسکان اسرای جنگی ساخته می‌شد. در شهرهای مرزی حکومت مرکزی اداره دولت‌های وابسته را خود به دست گرفت و به جای آن‌ها شهرهای برج و بارودار و مستحکم حاشیه مرزها و سنگریندی‌های مرزی را وارد سیستم دفاعی کرد (فرای، ۱۳۸۱، ۲۳۹). ساختن شهرهای جدید و قلاع مستحکم در جوار آن‌ها از جمله اقدامات اولیه ساسانیان به حساب می‌آمد (رضوانی، ۱۳۸۶، ۵۲). برآوردن، رشته‌های گوناگون استحکامات را ظاهراً ایرانیان از رومیان وام گرفته بودند (گار سویان، ۱۳۸۳، ۶۹۶). آنان در بعضی از جنگ‌های خود سپاهیان اسیر شده و یا مردم شهرهای تسخیر شده را به زور به ایران می‌آوردند و آن‌ها را برای محافظت از مرزها در ایران ساکن می‌کردند (امانیور و دیگران، ۱۳۹۴، ۳). رومیان در بسیاری از جنبه‌های مهندسی شهری و به ویژه در فن برآوردن بناهای شهری کارایی فراوان داشتند (اتوکروز، ۱۳۸۳، ۶۷۷).

عوامل مؤثر در شهرسازی

از جمله علل ایجاد و گسترش شهرها در دوره ساسانی می‌توان به عوامل زیر اشاره کرد: جغرافیایی: در اختیار داشتن زمین‌های مناسب برای توسعه کشاورزی و دامداری، دسترسی کافی به منابع آب، برکنار بودن از مسیر بادهای موسمی آزاردهنده، داشتن فصل‌های منظم و مانند آن (ورجاوند، ۱۳۶۶، ۸) در شکل‌گیری شهرها مؤثر بوده است. زیرا در گذشته که میزان فناوری و بهره‌برداری از منابع طبیعی در سطح پایینی قرار داشت وابستگی مستقیم و بی‌واسطه انسان به پدیده‌های حیاتی طبیعی بسیار زیاد بود. این عوامل نه تنها در شکل‌گیری شهرهای اولیه از شروط اصلی به شمار می‌رفت، بلکه از عناصر پایدار در بقای شهرها نیز شمرده می‌شد (مهرآفرین، ۱۳۹۳، ۸۰).

دفاعی و نظامی: امنیت مهمترین اصل بقا برای انسان به شمار می‌رود. تأمین این امنیت جز با ایجاد مکان‌های امن در مقابل بلایای طبیعی و رویدادهای انسانی میسر نیست. ایران بنا به موقعیت خاص جغرافیایی، ثروت و دستاوردهای مدنی همواره مورد توجه و در معرض چپاول و غارت همسایگان بوده است. از این رو مهمترین دغدغه ساکنان و فرمانروایان آن ایجاد دژ و شهرهای مستحکم، دیوارهای طویل دفاعی و خندق بوده است (همان، ۷۱). حاکمان کوشور همواره مجبور بوده‌اند از مناطق مرزی در برابر هجوم بیگانه محافظت کنند و یکی از مؤثرترین شیوه‌ها برای آمادگی در برابر حمله‌های احتمالی، احداث شهرهای مرزی در نقاط حساس بوده است (سلطانزاده، ۱۳۶۷، ۴۵).

دینی و مذهبی: برخی کوهها، چشمه‌ها یا پدیده‌های طبیعی خاص در نظر انسان همواره از تقدس و الوهیت خاصی برخوردار بوده است و آنها را منشاء خیر و برکات و در سرنوشت خود مؤثر می‌دانستند. برخی از مناطق به دلایل ولادت یا شهادت پیامبران و شخصیت‌های دینی محترم شمرده می‌شدند. از این رو آمد و شد در چنین مکان‌هایی افزایش می‌یافت و پس از چندی شهری شکل می‌گرفت (مهرآفرین، ۱۳۹۳، ۷۳-۷۴). بنابراین بنیانگذاران عجمه شهرهای کهن به اعتباری امر مقدس در پیوند با آیین مورد قبول جامعه بوده و از اصول پذیرفته شده آیین و باورهای جامعه پیروی می‌کرده است (ورجاوند، ۱۳۶۶، ۹). در سراسر دوران کهن، خواه در دوران باستان و خواه در سده‌های میانه، پرستشگاه و بازار دو محور بنیادی زندگی شهری بوده‌اند، بسیاری از شهرها ارمغان بنیادیابی زیارتگاه و پرستشگاه می‌باشند (آصفی، ۱۳۶۸، ۶۹). فوستل دوکولانژ در این باره می‌گوید: ساختمان شهر در قدیم عملی دینی محسوب می‌شد، زیرا بلافاصله پس از آنکه خانواده‌ها در اتحاد و اشتراک مذاهب موافقت می‌کردند به بنای شهر می‌پرداختند که این کار نیز عملی دینی محسوب می‌شد (۱۳۰۹، ۱۳۳).

سیاسی و اداری: احداث عموم شهرها، یعنی محل استقرار ارکان دولتی و نهادهای اداری سیاسی، توسط پادشاهان و برخی امراء و حکام محلی صورت می‌پذیرفته و مهمترین نقش و کارکرد اینگونه شهرها، جنبه سیاسی-اداری آنها بوده است (سلطانزاده، ۱۳۶۷، ۴۰). بناهای باشکوه که محل زندگی حاکم و تشکیلات اداری و حکومتی وی بود، در

قلب شهر یا در بهترین مکان آن و در فضای وسیعی بنا می شد. با افزایش قدرت مالی و در اختیار داشتن نیروی کار رایگان، شاهان و حاکمان، محل زندگی و تشکیلات حکومتی خود را از رو ستا - شهرها جدا می کردند و در محلهای جدید که از نظر موقعیت آب و هوایی یا ژئوپلیتیکی مناسب بود، بنا می نهادند (مهرآفرین، ۱۳۹۳، ۷۶). این شهرها از سوی شاهنشاه ساخته می شدند و وابسته به او بودند (پیگلسکایا، ۱۳۷۷، ۲۱۸).

بازرگانی و تجاری: عامل بازرگانی را در پایه گذاری برخی شهرها و دگرگونی و رشد برخی دیگر از شهرها باید از جمله عوامل قابل توجه به شمار آورد (ورجواند، ۱۳۶۶، ۱۰). شهر اقتصادی مکانی است که ساکنان محلی بخش مهمی از خواسته های اقتصادی روزانه خود را در بازار محلی و تا حد ضروری با محصولاتی برآورده می کنند که سکنه محلی و اهالی آبادی های همجوار شهر برای فروش در بازار تولید کرده اند یا از راه های دیگر به دست آمده است (ویر، ۱۳۷۵، ۶۵-۶۶). ورود ایران به جرگه تجارت آن زمان و کارکرد تولیدی و مبادله شهرها که از زمان اشکانی ها آغاز شد، در دوره ساسانی به اوج خود رسید و در پرتو آن، شهرنشینی از رشد فزاینده ای برخوردار شد (یعقوبی، ۱۳۶۲، ۲۱۸). نیاز دولت به پول سبب گردید که در ایجاد شهرهای تجاری ب سترهای لازم را فراهم آورند. از جمله اقدامات لازم در این زمینه ایجاد راه، منزلگاه، آب انبار، بندرگاه و کشتی های تجاری، نیروی نظامی برای حفاظت از کاروانیان، ساخت شاهراه ها و مناطق صنعتی و انتقال متخصصان و صاحبان حرف به این شهرها بود (مهرآفرین، ۱۳۹۳، ۷۸-۷۹). وجود نگاره ها و نبشته های متعدد و پر اهمیت نشان می دهد که راه دامنه بیستون از رفت و آمد سرزنده ای برخوردار بوده است. سرزندگی یک راه در روزگار باستان تنها می تواند ناشی از رونق تجارت بوده باشد (رجبی، ۱۳۸۳، ۲۸۴).

بافت و الگوی شهری

نقشه شهر بازتاب معتقدات، باورها و طرز تفکر و اندیشه مردمی است که در محدوده جغرافیایی شهر زندگی می کنند (فرید، ۱۳۷۱، ۹۴). شاهان ساسانی در شهر سازی از الگوهای دوران گذشته پیروی می کردند، اما در عین حال صنعت ساخت و ساز خود را با

بهره‌گیری از فنون جدید به‌روز می‌کردند و با توجه به شرایط و موقعیت‌های زمینی و مکانی آن را پیاده می‌ساختند. این الگوها شامل: الگوی دژ، برگرفته از مادها برای نقاط مرزی و دفاع در برابر دشمنان خارجی؛ الگوی هیپودام یا شطرنجی اخذ شده از سلوکی‌ها و الگوی دایره‌ای برگرفته از دوره اشکانی که محاسبات فنی و ریاضی انجام شده در آن بسیار شگفت‌آور بود (م‌شهدی زاده دهاقانی، ۱۳۸۶، ۲۱۷). لینیچ از سه شاخه یاد می‌کند که سعی در توصیف شهر به عنوان یک پدیده فضایی دارند. تئوری عملکردی یکی از آنهاست. بر این اساس الگوهای شکل کلی شهر عبارت است از: ستاره‌ای، شهرهای اقماری، شهر خطی، شهرهای شطرنجی منظم، طرح مشبک و شهر درونگرا (۱۳۸۱، ۵۰۹-۴۹۵). مطابق نظریه عملکردی، شهرهای ساسانی به سه دسته تقسیم می‌شوند: شهرهای مدور، شهرهای مستطیلی و شهرهای نامنظم (مهرآفرین، ۱۳۹۳، ۸۷). بافت اکثر شهرهای دوره ساسانی به صورت شطرنجی بوده و تا حد زیادی متأثر از وضع زمین است (گریشمن، ۱۳۷۸، ۳۸۶). بیشتر آن‌ها دارای چهار دروازه در چهار جهت جغرافیایی بوده‌اند (مقدسی، ۱۳۶۱، ۶۴۵). شاید به جهت آن بود که می‌خواستند، شهر به هر چهار سوی جهان مرتبط باشد که این امر ریشه در اعتقادات داشت (حبیبی، ۱۳۷۸، ۲۵). البته شکل شهرها می‌توانست به صورت مستطیلی، دایره‌ای (مدور)، شطرنجی و گاه به صورت اشکال جانوران و اشیاء باشد (فرید، ۱۳۷۱، ۹۴). مستوفی قزوینی در بیان شکل شهرهای ساسانی می‌نویسد که شوش را مانند باز و شوشتر را مثل اسب می‌ساختند (۱۳۳۹، ۱۰۵). از شهرهای مدور می‌توان به دارابگرد، اردشیرخوره، مرو، تخت سلیمان، و از شهرهای مستطیلی به بیشاپور، جندی شاپور، ایوان کرخه، سیراف، نیشابور، استخر، و از شهرهای نامنظم به رام شهرستان، تیسفون و قصر شیرین اشاره کرد (مهرآفرین، ۱۳۹۳، ۸۷). شهر هاترا و دارابگرد تقریباً دایره‌ای شکل است. گفته می‌شود که این طرح برگرفته از اردوگاه نظامی پارتیان است (بوسایلی، ۱۳۸۳، ۴۱). شاید بنای مدور شهر، تصویری از کیهان مدور و گردش سیارات است و احتمالاً رابطه‌ای هم با صور فلکی و نیز زمان دایره‌ای دارد (رضایی راد، ۱۳۷۸، ۱۶). از جمله شهرهایی که در دوره ساسانی نقشه مستطیل داشتند، بیشاپور و جندی شاپور بودند (هوف، ۱۳۶۴، ۱۷۷). این رسم برگرفته از

نام هیپوداموس، معمار یونانی اهل ملطیه است که در قرن پنجم پیش از میلاد می‌زیست. شهر گور نیز با حصارهای مدور و متداخل از نوع شهرهای درون‌گراست که بسته و کاملاً خصوصی می‌باشد. امکان رشد و گسترش در چنین شهرهای بسته‌ای وجود ندارد (مهرآفرین، ۱۳۹۳، ۸۸). شهر شامل شبکه‌ای از معابر عمود بر هم بوده که به موازات دو خیابان اصلی قرار داشتند. ارتباط شهر با حومه به وسیله دو معبر اصلی و از طریق دروازه‌های مزبور صورت می‌گرفته و معابر فرعی تنها بخش‌های مختلف داخل شهر را به هم وصل می‌کردند و خود به خارج راه نداشته‌اند (تقوی نژاد دیلمی، ۱۳۶۳، ۱۸۵). سازندگان شهر سعی داشته‌اند طوری برنامه‌ریزی کنند که علاوه بر خیابان اصلی که در مرکز شهر یکدیگر را قطع می‌کنند، در زوایای قائم این خیابان ک‌شی، کوچه‌ها و محلات به گونه‌ای محدود و محصور شوند که خانه بزرگان و اشراف در میان باغ و فضای سبز قرار گیرد (سرفراز، ۱۳۶۶، ۴۰). در این شیوه شهرسازی، آگاهانه ساختن و با طرح و نقشه قبلی بنا کردن، یعنی شهرسازی برنامه‌ریزی شده، از جایگاه برجسته‌ای در مجموعه فعالیت‌های شهری برخوردار بوده است (م‌شهدی زاده دهقانی، ۱۳۸۶، ۲۱۷). ساخت شهر یا توسعه آن در زمان شاهان ساسانی همانند ادوار دیگر، به توانمندی، ثروت و اهداف شخص شاه بستگی داشت. چنان که به شاهان بزرگ و قدرتمندی مانند اردشیر پاپکان، ده شهر؛ شاپور اول، هشت شهر؛ شاپور دوم، هشت شهر؛ پیروز، چهار شهر؛ قباد، شش شهر؛ خسرو انوشیروان، پنج شهر و خسرو پرویز، دو شهر نسبت داده‌اند (مهرآفرین، ۱۳۹۳، ۱۹۶).

نقش و کارکرد شهرها

هر شهر متشکل از مجموعه‌ای بنا و تأسیسات است. تأسیسات و بناهای موجود در هر واحد شهری بر حسب زمان و مکان، فرهنگ رایج در یک منطقه و هدفمندی خاص آن با شهرهای دیگر متفاوت است. کاخ، معبد، سازمانهای دولتی - دیوانی، کارگاههای سلطنتی، شرکتهای تجاری، مراکز آموزشی و تربیتی و پادگانهای نظامی از عمده‌ترین تأسیسات درون شهری ساسانی به شمار می‌روند. از تأسیسات عمومی درون شهری می‌توان

به خیابان‌ها و معابر، نهر و حوض آب، مراکز طبابت، مراکز دینی و داوری و غیره اشاره کرد (مهرآفرین، ۱۳۹۳، ۸۴-۸۶). شهر در ایران از سه بخش اصلی به نام کهندژ، شارستان و ربض تشکیل می‌شد (سلطانزاده، ۱۳۶۲، ۱۲۴). از کهندژ به شارستان و از شارستان به ربض و از فضاهای کم و بیش ساخته شده ربض به باروی شهر و به دروازه‌های آن (فلامکی، ۱۳۶۶، ۵).

۱. دژحکومتی: کهن دژ یا ارگ شهر: کهن دژ به عنوان مرکز سیاسی و تصمیم‌گیری دارای معماری ویژه‌ای بوده و قسمت‌های دیگر شهر را تحت تسلط داشته است (تقوی نژاد دیلمی، ۱۳۶۳، ۱۷۲). این بخش، مهمترین بخش در شهرهای اداری-سیاسی دوره ساسانی یعنی جایگاه و سکونتگاه پادشاه، حکام و درباریان بود (سلطانزاده، ۱۳۶۵، ۶۷). مهمترین ساختمان آن، کاخ بود و به عنوان هسته مرکزی با معماری متفاوت و متعلقات متعدد (تقوی نژاد دیلمی، ۱۳۶۳، ۱۷۲) که مجموعه کاملی را تشکیل می‌داد که ممکن بود سطحی برابر با چند کیلومتر مربع را دربر بگیرد. چنین مجموعه‌ای باید به گونه‌ای طراحی می‌شد که نیازهای عمومی و خصوصی دربار را برآورده سازد (هیلن براند، ۱۳۸۳، ۳۸۱). وجه مشخصه کاخ‌های ساسانی وجود یک ایوان عمیق مرتفع و عریض با طاق گهواره‌ای و اتاق‌های جانبی در طرفین آن است که به یک بنای بزرگ گنبددار ختم می‌شود. بخش خصوصی کاخ شامل یک حیاط با ایوان‌ها و تالارهای بزرگ هم‌اندازه بود که به صورت قرینه در پشت گنبدخانه قرار داشت (مهرآفرین، ۱۳۹۳، ۸۵). محل آن عموماً در وسط شهر و در روی تپه‌ای طبیعی و گاه به ندرت خاکریز ساخته می‌شد (سلطانزاده، ۱۳۶۲، ۱۲۴) که هم به وضع جغرافیایی اش مربوط می‌شد و هم نیاز به دفاع و حفاظت داشت (فلامکی، ۱۳۶۶، ۷). داخل آن مجموعه‌ای کافی از آتشکده اصلی، دیوان‌ها، سربازخانه‌ها، ذخائر، خزائن و انبارهای آذوقه قرار داشت (سلطانزاده، ۱۳۶۷، ۵۴) و آتشکده‌ها در سه شکل چهارتاقی ساده، چهارتاقی با دالان طوافدار و چهارتاقی با دالان طوافدار و هشتی مسقف ساخته می‌شد (مهرآفرین و احمد هدایتی، ۱۳۹۰، ۷۷). این دژ در بالاترین نقطه شهر و مهمترین نقطه سوق الجیشی ساخته شده بود و توسط موانع طبیعی، بارو و دیوارهای سنگین محافظت می‌شد (سلطانزاده، ۱۳۶۷، ۵۴). اهمیت فوق

العاده کهن دژ سبب می شد تا در این بخش شاهد وجود برج و باروهای متعدد باشیم و حتی در برخی از موارد، این قسمت به وسیله خندقی احاطه می شد (خلیق و دیگران، ۱۳۷۶، ۲۸).

۲. شارستان یا شار میانی: آن را شهرستان یا جایگاه قدرت می نامیدند و دیواری گرداگرد آن می کشیدند (اشرف، ۱۳۵۴، ۲۱) و بخش دیگری از شهرهای دوره ساسانیان بود که سکونتگاه دیوانیان، اشراف و سپاهیان را در خود جای می داد (سلطانزاده، ۱۳۶۵، ۶۷) و مجموعه ای مرکب از محلات خاص برای استقرار طبقات ممتاز بوده است. نزدیک بودن این طبقات اجتماعی به یکدیگر سبب می گردید تا شباهت بسیاری بین خانه و ساکنین شار میانی و کاخ ها به وجود آید. این بخش عملاً به وسیله دیوارهای سنگین با چهار دروازه به سوی عالم محصور شده بود (حبیبی، ۱۳۷۸، ۳۳) که درون آن، خانه ها و بازارها قرار داشت (توسلی، ۱۳۶۰، ۷). شارستان محل اصلی نظارت بر روابط اجتماعی از سوی بخش اداری محسوب می شد (تقوی نژاد دیلمی، ۱۳۶۶، ۱۷۴). و هیچگاه شکلی ثابت نداشته و در شهرهای مختلف دارای اشکال گوناگون و فضاهای متفاوت بوده است (فریور صدی، ۱۳۸۰، ۶۱۵). با توجه به اینکه شهرهای دوره ساسانی مرکزی برای پیه ها و بازرگانی بوده اند، در اغلب شهرهای ساسانی از جمله در وهارد شیر، هرمز اردشیر و تیسفون می توان بازارهای بزرگی را در اطراف این قسمت از شهر دید که محل تولید و عرضه کالاهای گوناگون بوده اند (حبیبی، ۱۳۹۳، ۳۳).

۳. شار بیرونی یا ربض: بخش خارجی و بیرون از شهر که آبادی ها و مزارع حاشیه شهر در آن قرار داشت (توسلی، ۱۳۶۰، ۷) و سومین دایره به شمار می رود (ورجاوند، ۱۳۶۶، ۱۴). طبقات ساکن در این بخش از پایین ترین طبقات جامعه شامل کسبه، پیشه وران و روستائیان بوده اند (م. شهدی زاده دهقانی، ۱۳۸۶، ۲۲۳). این بخش مجموعه ای مرکب از محلات، خانه ها، بازارها، باغات و مزارع پراکنده در اطراف شار میانی است. آتشکده ها و بازار اصلی را می توان در این بخش جستجو کرد. شار بیرونی محل استقرار کلیه مردمانی است که در چهار طبقه ممتاز اجتماعی قرار نگرفته و بنابراین در دولت ساسانی نقشی ندارند (بارتولد، ۱۳۵۸، ۳۱). از خصوصیات شهرهای ساسانی، قرار گرفتن ارگ و آتشکده

و ادارات در و سط شهر و سپس محله‌های بزرگان و اشراف و بعد از آن محله‌های پیه‌شهران را می‌توان نام برد (سلطانزاده، ۱۳۶۲، ۹۰). با دوایری که بر گرد دایره مرکزی شهر گور کشیده شده و با احداث معابری به موازات دو خیابان اصلی شهر، فضای داخلی شارستان به بلوک‌های فراوانی تقسیم گردیده است. این عرصه کوی و برزن شهر را تشکیل می‌داد و در آن گروه‌های اجتماعی مشخص سکونت داشتند (مهرآفرین، ۱۳۹۳، ۸۶). تهیه نیروی انسانی مورد نیاز و همچنین تولید مواد غذایی و کشاورزی دو بخش دیگر، عملاً به عهده ساکنان ربض بود و آنها نقش مهمی در ادامه حیات شهر داشتند (تقوی نژاد دیلمی، ۱۳۶۳، ۱۷۴). عربها این بخش را ربض می‌خوانند (ا شرف، ۱۳۵۴، ۲۱).

شهرهای دوره ساسانی

الف. شهرهای مدور

۱. دارابگرد: این شهر در ۹ کیلومتری جنوب غربی داراب است. داراب در نیمه راه شیراز و بندر عباس در جنوب شرق استان فارس و در ناحیه آب و هوایی گرم و نیمه خشک ایران در میان دشت وسیع و حاصلخیز هشیوار بنا نهاده شده است (مهرآفرین، ۱۳۹۳، ۹۰). گروهی معتقدند لفظ گرد به معنای شهر است و دارابگرد یعنی شهر داراب (فسایی، ۱۳۶۷، ۳۰۷). دارابگرد شهری مدور است که قطر آن به دو و محیط آن به شش کیلومتر می‌رسد. پیرامون شهر، خندقی عمیق و عریض دارد. پهنای متوسط خندق حدود ۵۰ و عمق آن بیش از شش متر بوده است. حصار مدور دارابگرد با طول حدود شش کیلومتر و ارتفاع شش متر از گل و سنگ ساخته شده است. عرض شالوده دیوار حدود ده متر و شکل آن مخروطی با سطوح نامساوی می‌باشد. برای ساختن این دیوار از مخلوط سنگ با خاک و گل رس استفاده کرده‌اند. دو دروازه اصلی در جهات غربی و شرقی و دو دروازه دیگر در شمال و جنوب قرار داشته‌اند (مهرآفرین، ۱۳۹۳، ۹۰-۹۳). به علاوه شیب ملایم ارگ به جانب شمال، دسترسی این خیابان به ورودی اصلی مجموعه حکومتی را آسان می‌کرد (کریمیان و سیدین، ۱۳۸۹، ۸۲). احتمالاً در مخلوط گل رس و سنگ ماده‌ای به

ساروج را مورد استفاده قرار داده‌اند که سبب استحکام آن شده است (کیانی، ۱۳۸۱، ۱۵۰).

۲. اردشیر خوره: نخستین شهر ساسانی است (مهرآفرین، ۱۳۹۳، ۱۰۰). دیواری از گل دارد و چهار دروازه بر اوست. یکی را باب مهر گویند سوی شرق، و یکی سوی مغرب است دروازه بهرام و دست راست دروازه اردشیر و بر دست چپ دروازه هرمز. در میان شهر نمایی است چون دکانی، آن را طربال گویند و آن را در پارسی ایوان و کیاخوره خوانند. اردشیر ساخته بود و بر همه روستاها و ناحیه از آنجا دیدار افتد و در برابر آن از کوه آبی برون آوردست. آب همچون فواره به طربال برآید و در مجرای دیگر فرو شود و از گچ و سنگ ساخته بود. در شهر آبهای روان بسیار است. به هر دروازه مقدار یک فرسنگ بوستان و تماشاگاه باشد (اصطخری، ۱۳۴۰، ۱۱۰-۱۱۱). شهر از یک دیوار پشته‌یابان، خندقی به عرض تقریبی ۵۵ متر و یک حصار خشتی با چهار دروازه اصلی منظم در چهار محور تشکیل شده است (Huff, 1969, 391). قسمت داخلی شهر که قطر آن نزدیک به دو کیلومتر می‌رسد، مانند چرخ پره‌داری با دو محور اصلی از دروازه شمالی به جنوبی و دروازه غربی به شرقی به چهار پاره تقسیم شده است که در نقطه مرکزی شهر همدیگر را قطع می‌کنند. سپس هریک از چهار پاره به پنج بخش بزرگ و مشابه تقسیم شده است. علاوه بر این فضای داخلی شهر با سه دایره متحدالمرکز به چهار گرده بخش شده است. چنان که قطر گرده مرکزی به ۴۵۰ متر می‌رسد (مهرآفرین، ۱۳۹۳، ۱۰۱). در مرکز شهر برجی عظیم و چهار گوش قرار دارد که آن را طربال می‌گفتند (ابن حوقل، ۱۳۴۵، ۲۸۷). این بنا از سنگ‌های نتراشیده و آهک و گچ ساخته شده بود و در طرفین آن آثار پلکان طاق‌داری که به صورت مارپیچ تا بالای برج ادامه داشته هویدا است (واندنبرگ، ۱۳۴۸، ۵۰). قطر بخش تحتانی آن بیش از بخش فوقانی است و ضخامت هر ضلع این بنا در شرایط کنونی حدود ۹ متر و ارتفاع آن ۳۰ متر می‌باشد (هوف، ۱۳۶۵، ۷۹). اسکار رویتز این بنا را با زیگورات‌های بین‌النهرین مقایسه کرده است و اعتقاد دارد که در مناسبت‌های مخصوص، آتش مقدس را که در معبد نگهداری می‌شد بر روی این برج و در فضای باز می‌افروختند (Ruether, 1977, 56). در بخش مرکزی این شهر دایره‌وار و در ۱۰۰

متری شمال شرقی این مناره، ویرانه‌ای از یک ساختمان مربع شکل با سنگ تراش‌دار قرار دارد که به تخت نشین معروف است. نقشه فضای داخلی آن عبارت از یک گنبد بر فراز بنایی مربع شکل است که در هر چهار طرف آن طاقچه‌هایی وجود دارد (مهرآفرین، ۱۳۹۳، ۱۰۷-۱۰۶).

۳. قلعه دختر: از استحکامات یک کاخ شکوهمند سلطنتی با استحکامات دفاعی برخوردار است که از نظر سوق الجیشی چنان در حد کمال است که نظیر آن در سرتا سر تاریخ معماری به دشواری یافت می‌شود (Huff, 1977, 32). این قلعه در دره تنگاب فیروز آباد و در فاصله سه کیلومتری از کاخ اردشیر در سه اشکوب بنا شده است. این دژ از سه طرف به وسیله تنگه احاطه می‌شد و مساحت آن بیش از نیم کیلومتر مربع را دربر می‌گرفت. کاخ قلعه دختر یک منطقه بارودار رفیع است که منبع مستقل آب آن دو حلقه چاه بود. دیوار قلعه به عنوان کمر بند دفاعی دژ اصلی، دارای باروهای دفاعی پیش‌آمده است و ارتفاعی حدود شش یا هفت متر داشته است. کنگره‌های دفاعی قلعه در دو یا چند ردیف مرتب و متداخل و پله‌هایی به ضخامت ۵۰ سانتی متر داشته است (مهرآفرین، ۱۳۹۳، ۹۸). در یک سوی تالار، ورودی باریک و دراز آن به پلکانی ختم می‌شود که به فضای فوقانی کاخ راه می‌یابد (Huff, 1977, 32). دومین سطح کاخ، حیاط مربع شکلی را دربر می‌گیرد که پس از بالا رفتن از پلکان می‌توان به آن رسید. در سه سمت حیاط تالارهای چهار گوشه با طاق‌های ضربی قرار گرفته‌اند و در طرف چهارم، پلکانی به تراس فوقانی که روی آن بنای اصلی کاخ واقع شده، منتهی می‌شود (هرمان، ۱۳۷۴، ۹۳). بعد از حیاط میانی به بنای شاهی می‌رسیم که در بالاترین سطح این بلندا قرار دارد که عبارت از یک ایوان بزرگ با سقف هلالی است که در پشت آن اتاق مربع شکلی با گنبدی عظیم واقع شده است (سرفراز و فیروزمندی، ۱۳۷۳، ۲-۳).

۴. تخت سلیمان: در ۴۲ کیلومتری شمال شرقی شهر تکاب و در دره عمیقی مابین بیجار و میاندوآب در جنوب آذربایجان غربی واقع شده است (مهرآفرین، ۱۳۹۳، ۱۱۰). منطقه تخت سلیمان به دلیل قرار داشتن در یک دره حاصلخیز همواره از شرایط زیست محیطی مناسبی برای استقرار جماعات انسانی برخوردار بوده است (همان، ۱۱۳). شکل آن به

بیضی تمایل دارد. مجموعه تخت سلیمان با وسعت ۱۲۴ هزار متر مربع دارای آثار زیادی بوده که مهمترین بقایای آن عبارت است از: برج و باروی پیرامون شهر، حصار داخلی، آتشکده گشنسب، معبد آناهیتا، کاخ و ایوان خسرو گنجک دارای دو حصار خارجی بوده است. طول حصار خارجی ۱۱۲۰ متر می باشد که تشکیل یک بیضی نامنظم را داده است. ۳۸ برج دفاعی نیمه هدور که به اندازه یک طبقه بلندتر از باروها بوده اند، در پیرامون حصار با فاصله متوسط ۲۴ متر از یکدیگر فضای محوطه را دربر می گیرند. سطوح خارجی حصار با سنگ های مکعبی تراش دار نماسازی شده و لایه درونی آن از سنگ های لاشه ای است. ارتفاع حصار حداقل ۱۳ متر و ضخامت آن نزدیک به چهار متر بوده است. دروازه شمالی در تمامی ابعاد کمی از دروازه های جنوب بزرگ تر است و محور آن دقیقاً به وسط آتشکده هدایت می شود. ارتفاع برج های دروازه با احتساب تاج کنگره آن ۱۵-۱۶ متر بوده است. دروازه جنوب شرقی که در بره ای مسدود شد، سالم تر از دروازه شمالی است. مسیر ورودی دروازه ۳/۵ متر با طاقی بیضوی شکل است. در بالای سر دروازه هفت طاق نما در کنار هم قرار گرفته اند که قوس آنها دو پله ای است (اوستن و وناومان، ۱۳۷۳، ۵۴-۷۳). علاوه بر این در محدوده داخل حصار نخست، یک حصار مستطیل شکل دیگر نیز قرار داشته است. حصار دوم دو فضای مربع شکل را دربر می گرفت که دریاچه در مرکز مربع جنوبی و آتشکده و کاخ در مرکز مربع شمالی قرار گرفته بودند. طول حصار این دو مربع ۲۵۰ و عرض آن ۵۰ متر بود که ۶۰ برج نیمه مدور آن را احاطه می کرد (زارعی، ۱۳۸۴، ۱۲۹).

۵. مرو: در ۳۰ کیلومتری شرق شهر ماری - سومین شهر پرجمعیت ترکمنستان - با ۳۸۰ هکتار است که در ساحل مرغاب که از جبال غور در شمال افغانستان سرچشمه می گیرد، واقع شده و مجموعه و سیعی از استقرارهای باستانی در دلتای این رودخانه و نهرهای فراوان آن به وجود آمده است. این سرزمین به دلیل موقعیت استراتژیک خاصی که داشت، پل ارتباطی اقوام مختلف آسیای میانه و اقوام داخل فلات ایران محسوب می شد و چون مرز بین اقوام مهاجم آن سوی آسیای میانه با اقوام ایرانی بود اهمیت نظامی فوق العاده ای داشت. مرو مشتمل بود بر قلعه داخلی یعنی قهندزی که در مکانی مرتفع جای

داشت و به اندازه یک شهر بود. گرداگرد قهندز، شهر داخلی قرار داشت و دارای چهار دروازه بود و بیرون این شهر حومه پهناوری که تا کنار نهرهای بزرگ کشیده می‌شد، واقع بود. این چهار دروازه مو سوم بودند به دروازه شهر که به راه سرخس منتهی می‌شد. دروازه سنجان که به حومه بنی ماهان و نهر اسعدی می‌رفت. دروازه درمسکان که از آنجا به ماوراءالنهر می‌رفتند و بالاخره دروازه بالین. این شهر در هر یک از دوره‌های شهری خود شکل خاصی داشته چنان که در دوره سلوکیان به شکل هیپوداموس و در دوره اشکانی و ساسانی مدور بوده است. برخی تاریخ ساخت این دو شکل شهری را به دو دوره زمانی متفاوت نسبت داده‌اند (مهرآفرین، ۱۳۹۳، ۱۲۰-۱۲۳). چنانکه عثمانوف شهر مدور یا بیضی ارکقلعه را که در شمال گیورقلعه و بر روی بخش و سیعی از آن قرار گرفته، قدیم‌ترین ناحیه شهری مرو و متعلق به دوره هخامنشی می‌داند (Usmanova, ۱۹۹۲, ۵۵). از ارکقلعه و گیورقلعه در تمام دوره پارتیان و ساسانیان استفاده شد که تا اوایل دوره اسلامی تداوم یافت (هرمان و پترسون، ۱۳۸۷، ۳۵). ارکقلعه با ابعاد ۴۰۰*۵۰۰ متر به شکل بیضی است که وسعت آن به ۲۰ هکتار می‌رسد. دورتادور آن را حصار با خشت خام که هم‌اکنون به صورت یک پشته خاکی است با ارتفاع ۲۳-۲۷ متر دربر گرفته است. در مرکز شهر بناهایی به شکل تپه به ارتفاع ۱۵ متر قرار دارند. شکستگی اندکی که ضلع شمالی گیورقلعه یافته، آن را تبدیل به یک مربع با ابعاد ۱۹۵۰*۱۹۵۰ متر کرده است. در ضلع شمالی این شهر ۳۸۰ هکتاری، ارکقلعه همچون زائده‌ای به نظر می‌رسد (مهرآفرین، ۱۳۹۳، ۱۲۳). در هر یک از دیوارهای گیورقلعه یک دروازه قرار داشته است. یک سکوی وسیع بین دروازه‌های غربی- شرقی با توسعه به دروازه جنوبی دیده می‌شود. مسیر راه‌های اصلی قدیمی به دروازه اصلی می‌رسند و شهر را به چهار قسمت تقسیم می‌کنند. دیوارهای ارک و گیورقلعه دارای نقشه منظم است و چهار دروازه موجود در چهار دیوار جانبی آن از طریق خیابان‌هایی که شهر را از شمال به جنوب و از شرق به غرب به هم متصل کرده با هم ارتباط دارند. این خیابانها شهر را تقریباً به چهار قسمت مساوی تقسیم می‌کند. نخستین دیوار دفاعی شهر در سده سوم ق.م ساخته شد و ارکقلعه که داخل این دیوار قرار گرفته، در این زمان تبدیل به ارگ شهر

شده و کاخ فرمانداری در داخل همین ارک قلعه ساخته شده است (سید سجادی، ۱۳۸۳، ۱۴۵).

ب. شهرهای مستطیل شکل (هیودام)

۱. بیشاپور: محوطه باستانی بیشاپور در ۲۵ کیلومتری غرب کازرون و در مقابل دهانه تنگ چوگان در استان فارس واقع شده است. جلگه زیبای بیشاپور به علت داشتن آب فراوان، موقعیت سوق الجیشی و دفاعی مناسب، قرار داشتن بر سر راه‌های مهم تجاری و جنگی و هوای معتدل، وجود جنگل و مراتع و شکارگاه‌های فراوان موجب شد تا شاپور این محل دل‌انگیز را برای چنین هدفی انتخاب کند (مهرآفرین، ۱۳۹۳، ۱۲۶ و ۱۲۸). شهر چهار دروازه دارد: دروازه بهرام، دروازه هرمز، دروازه مهر، دروازه شهر؛ گردش خندقی است، نهر به دور قصبه می‌گردد که با پل‌ها از آن می‌گذرند (مقدسی، ۱۳۶۱، ۶۴۵). این یک شهر مشخصه ساسانی، یک اقامتگاه بهاری برای پادشاه و دربار و خانواده پادشاه بوده است. شهر بیشاپور بیانی از قدرت و جلال پادشاه بوده است (Ghirshman, 1974, 28). با وجود گستردگی شهر که ابعاد آن ۱۵۰۰*۸۰۰ متر است، کاوش در خور توجهی تا کنون صورت نگرفته است (مهریار، ۱۳۷۹، ۱۲). مصالح این دیوار سبتر و برج‌های نیم‌دایره‌ای آن از سنگ و ملاط گچ است. قطر حصار شهر ۹ متر است که با برج‌های پشتبند و توپر ساخته شده و فقط از قسمت بالای برج‌ها به منظور حفاظت و دیده‌بانی استفاده می‌شده است (سرفراز، ۱۳۶۶، ۴۴). شهر ۱۵۵ کیلومتر مربعی بیشاپور دارای چهار دروازه در چهار جهت اصلی بوده است. دروازه اصلی در ضلع غربی شهر و در مقابل رودخانه قرار داشت. دو خیابان شرقی- غربی و شمالی- جنوبی، شهر را به چهار بخش تقسیم می‌کرد و در تقاطع دو خیابان اصلی، دو ستون یادبود مرتفع نصب شده بود (مهرآفرین، ۱۳۹۳، ۱۳۰-۱۳۱). مهمترین بنای بیشاپور در حال حاضر معبد آن است. این بنا به صورت مکعبی است که ارتفاع آن ۱۴ و هر یک از اضلاع آن نیز ۱۴ متر طول دارند. بنا از سنگ‌های قالبی با ابعاد مختلف بدون ملاط و به صورت دوجداره و ضخامت ۲۳۰ سانتی متر که با بست‌های آهنی به هم قفل شده‌اند، ساخته شده است. فاصله میان دیوارها تا ارتفاع پنج متری با خاک نرم و لاشه سنگ پر شده و از این ارتفاع به بعد را با

لاشه سنگ و ملاط گچ پر کرده اند. راه ورود به معبد در شرق آن قرار دارد که از طریق یک راهرو ۲۴ پله‌ای که خیز هر پله ۳۵ سانتی متر و پاخور آن ۴۰ سانتی متر است، وارد آن می‌شدند. پوشش پله‌ها و سقف آهنگ آن از سنگ‌های حجاری شده بدون ملاط و متناسب با خود بنا ساخته شده است. سنگ‌های یکپارچه که به صورت چهارچوب در این بنا به کار رفته، دارای ۴ متر بلندا و ۶۰ سانتی متر پهنا به سبک معماری تخت جمشید است و از صفحات سربی به صورت ملاط چسبی در زیر پایه‌های عمودی هر یک از ستون‌ها استفاده کرده‌اند. دور معبد را چها دالان فرا گرفته است. طاق این دالانها نیز آهنگ است و مصالح دیوار، سقف و کف آن را سنگهای تراشدار تشکیل می‌دهد. هر یک از دالانها ۲۲ متر طول و ۱۸۳ سانتی متر عرض دارند. معبد در عمق ۶ متری از سطح زمینهای اطراف ساخته شده است (سرفراز، ۱۳۶۶، ۶۲ و ۶۴). در هر یک از چهار ضلع ورودی تالار، تعداد چهار طاقچه ۴*۴ و در هر یک از ۱۶ ضلع دیگر آن سه طاقچه ۳*۱۶ کاخ را تزئین می‌کرد. پیرامون هر یک از این ۶۴ طاقچه را با گچ‌بری‌های زیبایی رنگ آمیزی کرده بودند. (واندنبگ، ۱۳۴۸، ۵۵). چهار سوی کاخ پذیرایی را دالانهایی به پهنای بیش از دو متر و طول چهل و شش متر به منظور ایجاد امنیت بالا و آمدو شد فرا گرفته است (مهرآفرین، ۱۳۹۳، ۱۳۳). در جبهه شرقی تالار بزرگ کاخ، ایوان موزائیک و در جبهه غربی آن حیاط موزائیک قرار دارد. ایوان موزائیک به عرض ۱۴ متر و طول ۱۴/۶۰ متر در شرق تالار بزرگ قرار گرفته است (گریشمن، ۱۳۷۸، ۱۷). حیاط ه به شکل مستطیل است، دارای ۳۴/۴۰ متر طول و ۱۹/۷۵ متر عرض است (مهرآفرین، ۱۳۹۳، ۱۳۴). موزائیک‌های رنگی شامل نقشمایه‌های انسانی، هندسی، گیاهی و حیوانی است. نقوش انسانی بیشتر زندهای درباری، نوازندگان، رقاصه‌ها و زنان گل به دست و تصاویر زنان و مردان دیگری را نشان می‌دهد (واندنبگ، ۱۳۷۹، ۵۵).

۲. گندی شاپور (جندی شاپور): در ۱۵ کیلومتری دزفول به شوشتر در محل روستای شاه‌آباد و در مجاورت رودخانه سیاه منصور شهر قرار گرفته است. گوند یا جند به معنی ل شکر - سپاه در اسم این شهر، معنای آن را به کمپ نظامی شاپور بدل کرده است (مهرآفرین، ۱۳۹۳، ۱۳۷ و ۱۳۹). شهر دارای نقشه شطرنجی شکل و تعداد هشت

خیابان بوده که به طور عمودی در هر جهت ادامه داشته‌اند. امروزه، سنگرها و استحکاماتی نیمه مدور و بقایای دیوارهایی به طول چهار کیلومتر و عرض دو کیلومتر قابل رؤیت است. طرح مربع مستطیلی که به وسیله دو خیابان اصلی شهر را به چهار بخش تقسیم کرده و چندین خیابان به موازات آنها با ترتیب کم‌وبیش معمولی کشیده شده، دیده می‌شود. از جمله موارد قابل اهمیت ویرانه‌های شهر، پلی در گوشه شمالی آن است که بر سیفونی از یک تونل زیرزمینی با مصالح ساختمانی قرار دارد و آب از منبع و سرمنشأ مورد ست رودخانه کارون از طریق رود سیاه‌منصور به وسیله این تونل زیرزمینی به محدوده شهر هدایت می‌شده است (هوف، ۱۳۷۴، ۵۰). مصالح عمده ساختمانهای شهر و باروی آن را گل و خشت تشکیل می‌داده است (مهرآفرین، ۱۳۹۳، ۱۴۰).

۳. ایوان کرخه: در ۲۰ کیلومتری شمال غرب شوش و در جانب راست رودخانه کرخه، شهر مستطیل شکل ایران خوره شاپور که برخی این نام را به شوش نسبت داده‌اند، واقع شده است. ساکنان منطقه به این محل کوت کرخه می‌گویند و از نظر اقتصادی و تجاری نیز اهمیت فراوانی داشته است. وجود زمینهای وسیع کشاورزی همراه با صنایع پیشرفته، ایران خوره شاپور را ثروتمند و تبدیل به کانون توجه پادشاهان ساسانی کرده بود (مهرآفرین، ۱۳۹۳، ۱۴۲ و ۱۴۳). نقشه مستطیل شکل و وسیع این شهر با ابعاد یک در چهار کیلومتر، آن را شبیه شهر گندی شاپور ساخته بود. پیرامون شهر را باروی مستحکمی از خشت دربر می‌گرفت و علاوه بر آن، داخل شهر نیز به وسیله دو دیوار عرضی به سه بخش تقریباً مساوی تقسیم شده بود. بخش شمالی شهر تقریباً نصف مساحت شهر را اشغال کرده است. نظم و ترتیب خرابه‌ها امکان می‌دهد، نقشه شطرنجی قائم الزاویه خیابانها را چنان تصور کرد که یک محور فرعی با محور طولی در وسط بخشی از شهر یک چهارراه اصلی را به وجود می‌آوردند. منازل، محل کار و تجارت در نیمه شمالی و کاخ‌ها و محلات اشراف در جنوب شهر قرار داشت. شهر دارای چهار دروازه در چهار جهت اصلی بوده است (هوف، ۱۳۶۵، ۱۸۳). بخش جنوبی شهر محل اختصاصی شاه بوده است. این بخش از شهر شامل باغهای بسیار و وسیعی بود که یکی از آنها در طول دیوار جنوبی شهر قرار داشت. یکی از بناهای مهمی که در داخل شهر و در بخش جنوبی

قرار داشت، کاخ اختصاصی شاه بود. این کاخ با آجر و ساروج ساخته شده و مرکب از یک تالار چهار گوش است که گنبدی آن را پوشانده است. این بنا از پوشش طاق و تویزه ساخته شده است. عرض پی دیوار باقی مانده در ضلع شرقی کاخ ۲/۳۵ متر و طول دیوار شکسته باقی مانده ۱۱ متر و پی جز شمالی بنا از سمت غرب دو متر و عرض ضلع دیوار باقی مانده در سمت شمال بنا ۵/۳۵ متر است (خسروزاده، ۱۳۷۷، ۱۷۸).

۴. سیراف: بندر سیراف بر روی جلگه‌ای باریک و کم عرض در حاشیه شمالی خلیج فارس و در فاصله ۲۴۰ کیلومتری جنوب شرق بو شهر قرار دارد. بیشتر جغرافیاینگاران اسلامی از این شهر یاد کرده و از ثروت، تجارت و دریانوردی ساکنان آن فراوان سخن گفته‌اند (مهرآفرین، ۱۳۹۳، ۱۴۶). شهر سیراف دارای دوره‌های متعدد شهرسازی است. چنان که سه دوره شهرسازی در سیراف بدین ترتیب قابل طبقه‌بندی است: بقایای شهر ساسانی، بقایای شهری قرن دوم هجری و نو سازی شهر در قرن چهارم هجری (راستی دوست، ۱۳۸۴، ۱۷۴). این شهر ساحلی به موازات ساحل و به صورت یک باریکه با طول چهار کیلومتر و عرض ۷۰۰ متر بین دریا و کوه قرار دارد. بندر سیراف در دوران آبادانی خود دارای دیوار ساحلی بوده است که برای استحکام آن از پشتبندهای مثلثی شکل از سنگ و ساروج استفاده کرده بودند تا در برابر امواج دریا مقاومت کند، اما شهر، دیوار دفاعی دیگری هم داشته است که شهر را نگهداری می‌کردند. شهر دارای دروازه‌هایی بوده است. یک خیابان شرقی - غربی در جهت ساحل به عرض ۴ متر؛ مراکز اصلی شهر یعنی بازار، مسجد بناهای حکومتی، انبار کالاها را بهم متصل می‌ساخت و بالاخره به دروازه می‌رسید. بخش مسکونی شهر را کوچه‌های باریک به عرض ۱/۵ متر دربر داشت (شفقی، ۱۳۸۶، ۷۰-۶۹). در بنای خانه‌های سیراف از سنگ و گچ استفاده شده و شالوده دیوارهای بیرون از سنگهای تراش دار و ملاط ساروج ترتیب یافته است. در فواصل ۲/۵-۳ متری دیوارهای ساختمانها، پشت بندهایی برای تحمل و نگهداری اشکوبهای متعدد ایجاد شده بود. حیاطها و همدخلها دارای کف گچی یا سنگی و برخی از خانه‌ها دارای تزئینات گچبری زیبایی بودند (مهرآفرین، ۱۳۹۳، ۱۴۸). این بندر در یک طرف ارتفاعات قرار داشته و در یک طرف دریا و ساحل و در این میان بافت تاریخی که مجموعه‌ای از بناهای

بهم پیوسته مسکونی، تجاری، فرهنگی، کارگاهی و راهای کاروان رو که به دروازه شهر متصل می‌شدند و راهای دیگری که سیراف را به روستا و شهرهای اطراف متصل می‌کرده است. در بخش ساحلی آثاری از قبیل سفال‌پزی، گمرک و مسجد جامع قرار داشت. در بخش کوهستانی نیز آثاری از جمله گوردخمه، استودانهای متعدد، مسجد امام حسن و خونه گوری دیده می‌شود (زارعی، ۱۳۸۴، ۱۵۱).

۵. نیشابور: دومین شهر خراسان رضوی در ۱۲۰ کیلومتری جنوب باختری مشهد و در مسیر راه مشهد - سبزوار قرار دارد. این شهر با فراز و فرودهای زیادی که داشته، هیچگاه خالی از استقرار نگرید و هربار بر روی خرابه‌ها یا در مجاورت آن شهری نو سر برکشید. مهم‌ترین عامل پیوستگی استقرار در نیشابور را باید در شرایط زیست محیطی مناسب و پایدار آن جستجو کرد. نیشابور در دوره ساسانی از چند نظر اهمیت داشت: نخست اینکه در سرحدات شمال شرق ایران و مرکزی برای تجمع نیروهای ایرانی بود که در مقابل هجوم اقوام آسیای میانه و فراسوی آن بایستند و از مرزها نگهداری کنند. اهمیت مذهبی این شهر به واسطه نزدیکی به آت‌شکده آذربیزین مهر، آن را در ردیف کاریان و گنجک قرار داده بود. از نظر تجاری، سیراف شمال شرق ایران و از نظر صنعت همچون ایوان کرخه و از نظر پزشکی همانند گندی شاپور بود (مهرآفرین، ۱۳۹۳، ۱۵۳-۱۵۵). با توجه به نوشته‌های برخی مورخان می‌توان شهر را در آن زمان دارای خندق، برج و بارو، قهندز، حومه، مکانهای مقدس مورد پرستش مردم همچون کلیه سا، معبد و آت‌شکده و بازارهایی بزرگ که از هر صنفی سراهایی در آن داشته، تصور کرد (طاهری، ۱۳۸۴، ۵۳). قدیم‌ترین بخش شهر نیشابور شامل کهندژ و شهرستان است که در شمال شرقی ویرانه‌های موجود قرار دارد و به احتمال زیاد همان ابرشهر دوره ساسانی و اوایل اسلام است (ریاضی‌کوشه، ۱۳۷۱، ۲۴). شکلا مربع مستطیل است و دو خیابان از مغرب به مشرق و از شمال به جنوب که تقریباً در وسط شهر این دو خط یکدیگر را تقاطع کرده‌اند و نقطه تقاطع، چهارسوق شهر است. اکثر دکاکین در این خیابانها است و این چهار بازار، منتهی به چهار دروازه می‌شود. دور شهر سه هزار و سیصد ذرع است. دیوار قلعه ۵۸ برج داشته که اغلب خراب است. خرابه شهر قدیم نیشابور در طرف شرقی شهر حالیه واقع

است. دور شهر قدیم سه هزار ذرع بوده. در آن محوطه جز اتلال و تپه‌های کوچک و بزرگ و کوزه و آجر شکسته که آثار عمارات و آبادانی قدیم است، چیز دیگری باقی نمانده است (حکیم، ۱۳۶۶، ۹۱۴-۹۱۵).

ج. شهرهای نامنظم

۱.۱ استخر: در ۷ کیلومتری تخت جم‌شید و بعد از نقش رجب در سمت راست جاده شیراز - اصفهان قرار دارد. بر اساس متون تاریخی و شواهد باستان‌شناختی از قدمت دیرینه‌ای برخوردار است (سامی، ۱۳۸۸، ۱۹۳). مقدسی درباره این شهر می‌نویسد، قصبه ای باستانی است. دو دره با دو کوه دارد، جامع آن مانند جامع‌های شام در بازار است و ستونهای گرد دارد که سرستونش همانند سرگاو است و گویند آتشکده بوده است. بارها از سه سو آن را فرا گرفته‌اند. در میان شهر دره‌مانندی هست که نهر در آن روان است و در سمت دروازه خراسان پلی شگفت‌انگیز بر آن و باغی زیبا کنار آن است. ساختمانها گلین است. جویها به نهر دارند و حوض آبها در شهر (۱۳۶۱، ۶۴۹-۶۴۸). در مرکز شهر استخر و تا حدودی متمایل به ضلع جنوبی شهر، باقی مانده‌های سنگی یک بنا برجای مانده است. برخی از سنگهای به‌کار رفته در بنا و ستونهای قاشقی‌تراش که هنوز یکی از آنها تا نیمه پابرجا مانده، نشان‌دهنده استفاده از مصالح دوره‌های مختلف تاریخی در این بنا است (جامه بزرگ، ۱۳۸۹، ۹۷). این شهر دارای حصار و برج و باروهای استوار و محکمی بوده است که از طریق چند دروازه وارد آن می‌شدند. دورتادور حصار را خندقی عمیق و پر آب دربر می‌گرفت. آثار این خندق در جنوب شرقی شهر به چشم می‌خورد. مصالح ساختمانی استخر شامل خشت و گل و گچ و سنگ بود که در برخی بناها از سنگهای حجیم و تراش‌دار تخت جم‌شید که در مجاورت آنجا قرار داشت، استفاده کرده‌اند (مهرآفرین، ۱۳۹۳، ۱۶۳).

۲. تیسفون: در ۳۵ کیلومتری جنوب شرق بغداد و در کناره رود دجله سه پایتخت باستانی ایران واقع شده است. این ناحیه یکی از مهمترین مناطق جهان محسوب می‌شود که شهرها و پایتخت‌های فراوانی در آن شکل گرفته است. تیسفون نام بزرگترین شهر از چند

آبادی بود که مجموع آنها را معمولاً شهرها می‌خواندند. هفت شهری (سلوکیه، تیسفون، ولاش آباد، وه ارد شیر، درزیدان، رومیه و اسپانبر) که مدائن را تشکیل می‌دادند، در دو سوی دجله و در نزدیکی یکدیگر قرار داشتند. البته این هفت شهر به طور همزمان دایر و آباد نبود و بر روی خرابه‌های برخی شهرهای جدید شکل گرفته بودند. قدیم‌ترین این شهرها عبارتند از: سلوکیه، وه ارد شیر، درزیدان، ولاش آباد که در جانب راست رود دجله، و تیسفون، اسپانبر و رومیه که در جانب چپ قرار داشتند (مهرآفرین، ۱۳۹۳، ۱۶۵-۱۶۶). کاخ و ایوان کسری مشهورترین بنای تیسفون است. این کاخ در زمینی به ابعاد ۴۰۰*۳۰۰ متر قرار داشت. به جز بخش کوچکی از تاق و دیوار پیشین آن که روبه شرق قرار دارد، چیز دیگری باقی نمانده است. دهانه تاق ۲۵/۶۵ متر، طول آن ۵۰ و ارتفاع داخلی تاق و کف اصلی ۳۰ متر است. دیوارهای باربر تاق، درپاکار ۷/۲۰ متر، در قسمت زیر تاق چهار متر و ضخامت تاق آهنگ ایوان با چهار ضربی حدود ۱/۳۰ متر بوده است (بزنوال، ۱۳۷۹، ۲۰۳). کاخ کسری مستطیل شکل و ابعاد آن ۱۲۰*۱۵۰ متر است. درون کاخ به سه بخش قابل تقسیم است. بخش پیشین، و بخش پسین آن طولی شکل و بخش میانی به شکل عرضی است. در دو سوی ایوان، دو دهلیز L مانند با پهنای پنج متر قرار دارد. دو اتاق بزرگ طولی شکل به موازات دهلیزها با ابعاد ۱۷/۵*۴۰ متر قرار دارند. بخش میانی کاخ شامل دو اتاق با ابعاد ۱۷*۱۷ متر در هر یک از دو انتهای این بخش است که به احتمال زیاد دارای گنبد بوده است (مهرآفرین، ۱۳۹۳، ۱۷۵). داخل تالار با گچ‌بری و نقاشی تزئین شده بود (Upton, 1932, 192).

۳. قصر شیرین: بسیاری از مورخان و جغرافیانویسان ایرانی و عرب سده‌های نخست هجری قمری و پس از آن در مورد شیرین و آثار آن مطالبی نگاشته‌اند که از بین آنها میتوان به یعقوبی، احمدبن عباس، ابن رسته، ابودلف، ابن حوقل، قزوینی، یاقوت حموی و قدشغندی اشاره کرد. این شهر اولین شهر ایرانی در مسیر جاده بغداد - تهران به شمار می‌رود که به علت دارا بودن آثار باستانی اهمیت ویژه‌ای دارد. پراکندگی بناهای مجموعه قصر شیرین آن را از شکل یک شهر خارج کرده است و بر این اساس برخی آن را یک قصر سلطنتی یا نظامی - اداری پنداشته‌اند (مهرآفرین، ۱۳۹۳، ۱۷۸-۱۷۹). این شهر دارای

ساختمانهای بلند و عظیم بود. چنان که دید انسان از تعیین ارتفاع آن عاجز و فکر از پی بردن به آن سردرگم می ماند. این بناها شامل ایوانهای بهم پیوسته و خلوتگاهها، انبارها، کاخها با سقف ضربی، گردشگاهها، مهتابیها، میدانها، شکارگاهها، اتاقها و کاخهایی بود که بر فراز تپه بنا شده و مدتی وقت می گرفت تا شخص خردمند به کیفیت آن پی ببرد (ابودلف، ۱۳۵۴، ۵۸). این بنا بر روی صفحه‌ای مصنوعی به ارتفاع هشت متر با پلکانهایی دو طرفه شبیه تخت جمشید و کنگاور با نظم و قرینه دقیقی ساخته شده است. این عمارت از ساختمانی به طول ۳۷۲ متر و عرض ۱۹۰ متر در یک محوطه محصور در داخل پارک شاهی قرار دارد که در محور شرقی - غربی که به وسیله یک کانال باریک آب به طول ۵۵۰ متر مشخص می گردد، واقع شده و فاصله آن از دروازه شرقی پارک نزدیک به ۳۵۴ متر است. ساختمان اصلی کاخ با نقشه‌ای متقارن مشرف بر ایوانی به طول ۲۸۴ متر و عرض ۹۸ متر و ارتفاع ۸ متر می باشد. این ایوان دارای طاقنماهایی در دیوارهای جانبی و پلکانی دو طرفه در محور اصلی و دو سری پلکان متقارن در طرفین محور شمالی - جنوبی است. در جلوی ساختمان اصلی، ایوانی قرار دارد که یک سری ستون در دو سوی آن قرار داشته است. ایوان مذکور به یک تالار چهارگوش با سقف گنبدی راه داشت. با عبور از این اتاق به محوطه مربع شکل بزرگی با اضلاع ۲۷ متر وارد می شویم که در هر سمت آن یک راهرو ستوندار قرار گرفته است. دیوارهای نسبتاً ضعیف جانبی این فضا که از خشت خام ساخته شده، نشان دهنده آن است که این بخش سر باز بوده است (تقوی نژاد دیلمی، ۱۳۶۶، ۱۵۲-۱۵۴).

۴. رامشهرستان: این شهر یکی دیگر از بناهای دوره ساسانی است که هنوز اطلاعات دقیق و روشنی از آن در دست نیست. تیت معتقد است رامشهرستان در مسیر مستقیم ۱۲ میل با نادعلی فاصله دارد و در سمت جنوب غربی آن واقع شده است. وی محل رامشهرستان را تپه فعلی شهرستان می داند (۱۳۶۲، ۲۹). مک ماهون خرابه‌های رامرود و دلتای ترقون را محل رامشهرستان می داند (۱۳۷۸، ۳۸۱). در سمت راست رودخانه سیستان و در کنار پیچ بزرگ این رودخانه به سمت زهک، تپه نسبتاً بزرگ و طولی شکلی دیده می شود که جهت آن شمالی - جنوبی است. تپه جنوبی از وسعت و ارتفاع بیشتری برخوردار است.

آثار برج و باروهای ضخیمی که اینک به صورت آوار درآمده، سرتاسر لبه تپه را فرا گرفته است. در سطح ناهموار تپه نیز این آثار به خوبی نمایان است. این تپه که دارای خاک رسی و زردرنگ است به تپه شهرستان معروف می‌باشد. فاصله تپه تا زابل ۲۵ کیلومتر و در مسیر جاده زهک-میرزاخون قرار دارد. درازای تپه ۱۳۵۰ متر، ارتفاع ۲۰ متر و مساحت آن حدود ۴۸۶ هزار متر مربع است. بر اساس روایات، محلی بر روی این تپه شهری قرار داشته که آن را رام ساخته است (مهرآفرین، ۱۳۹۳، ۱۸۴ و ۱۸۵).

جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

در ابتدا شهرهای پارسی بر اساس باورهای عقیدتی به صورت یک هندسه مقدس به شکل مربع ساخته می‌شدند، اما به مرور بافت و اشکال ساخت شهرها در دوره‌های مختلف تغییر و توسعه پیدا کرد. با ظهور شاهنشاهی ساسانی، شهرسازی علیرغم الگوپذیری از دوره‌های گذشته، شکل جدید و تحول‌فزاینده‌ای پیدا کرد و ساخت شهر و توسعه آن به توانمندی، ثروت و اهداف شخص شاه بستگی داشت. در این دوره عوامل مؤثر در شکوفایی زندگی شهریه ساختار سیاسی متمرکز مربوط می‌شد. اغلب شاهان ساسانی نام خود را بر روی شهرهای جدید الاحداث قرار می‌دادند. این شهرها دارای تأسیساتی همچون ارک، مراکز علمی و دینی، مراکز اقتصادی و تجاری، برج و بارو و غیره بود. در دوره ساسانیان به علت قدرت نظامی شاهان، شهرنشینی تکامل و گسترش می‌یابد و فاصله شهرها نسبت به یکدیگر کمتر می‌شوند. بسیاری از طرح‌ها اجرا و به توسعه خطوط مواصلاتی، ایجاد بنادر و بناها، گسترش امنیت و نظام بازار می‌انجامد. در این دوره کالبد شهرها از سه بخش کهندژ، شار میانی و شار بیرونی تشکیل می‌شود که به اشکال مختلف مستطیلی، دایره‌ای، شطرنجی، نامنظم و گاه به صورت اشکال جانوران و اشیاء ساخته می‌شوند. اغلب این شهرها دارای چهار دروازه در چهار جهت جغرافیایی بودند که ریشه در اعتقادات و باورهای مذهبی آنان داشت. اگرچه شهرها کارکردهای گوناگونی داشتند، اما کارکردهای سیاسی و دیوانی و امنیتی آنان تأثیر مهمی بر رونق و گسترش مناسبات اجتماعی و اقتصادی داشت. در این شهرها ابعاد مادی و معنوی باهم آمیخته بودند و زندگی شهرنشینان با گرایش‌های مذهبی پیوند داشت. با این‌که مراکز مختلف مذهبی،

فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی اثرات قابل توجهی در ساختار زندگی شهری داشتند، اما تأثیر مراکز دیوانی و نظامی در حیات شهری بی‌شتر بود. هر بخش از شهر طبقه‌های اجتماعی مشخصی را در خود جای می‌داد. یک بخش از شهر محل استقرار و مقر اصلی شاه و اطرافیان و فعالیت‌های مرتبط با وی بود. با رشد شهرسازی مناسبات اجتماعی گسترش یافت و نوعی تقسیم کار میان افراد و حتی شهرها به وجود آمد. همین امر سبب رونق اقتصادی شد و شهر به عنوان مهمترین منبع درآمد دربار درآمد. با افزایش قدرت نظامی شاهان، توسعه شهر و شهرسازی همزمان با تقسیم کار اجتماعی در جامعه شدت یافت. شهر محل استقرار نیروهای مولد شد. از فروش کالاها و به تبع آن دریافت گمرکی درآمد سرشاری نصیب دربار می‌شد که این امر موجب احیای شهرهای کهن شد. اگرچه روند احداث شهرها توسط پادشاهان ساسانی، همواره از روند ثابت و یکنواختی پیروی نمی‌کرده و فرایند شهرسازی، وابسته به نفوذ و قدرت پادشاهان بوده، اما می‌توان اذعان داشت که ساسانیان با تدبیر و برنامه‌ریزی آگاهانه در حوزه شهرسازی و توسعه شهری، تجربیات ارزشمندی را از خود بر جای گذاشتند. رشد جمعیت و نیاز به کنترل آنها و از طرفی استفاده از اسیران جنگی در ساخت بناها، منجر به رشد و تلفیق هنر شهرسازی شد و شاهان ساسانی با سیاست تمرکز نیروهای مولد در شهرها، تقسیم کار منجر به رشد حرف و مشاغل و تخصصی شدن آنها، افزایش کارگاه‌های تولیدی، ایجاد بنادر و نظام بازار، رشد تجارت و روابط بین الملل، توسعه حمل و نقل و ارتباطات، زیرساخت شهری، کشاورزی و صنعت، تأثیر شگرفی بر هنر شهرسازی و رشد فرهنگ و تمدن ایرانی گذاردند.

منابع و مآخذ

کتاب‌ها

۱. ابن حوقل، محمد بن علی، ۱۳۴۵، *صورة الارض*، ترجمه جعفر شعار، تهران: بنیاد فرهنگ ایران.
۲. ابودلف، مسعر بن مهلهل، ۱۳۵۴، *سفرنامه ابودلف*، با تعلیقات و تحقیقات ولادیمیر مینورسکی، ترجمه ابوالفضل طباطبایی، تهران: زوار.

۳. اتوکروز، ۱۳۸۳، منا سبات فرهنگی میان پارس و روم: تاریخ ایران از سلوکیان تا فروپاشی دولت ساسانیان، ترجمه حسن انوشه، چاپ چهارم، جلد سوم، تهران: امیرکبیر.
۴. ا. صطخری، ابوا سحق ابراهیم، ۱۳۴۰، م سالک و ممالک، به اهتمام ایرج افشار، تهران: علمی و فرهنگی.
۵. امانپور، سعید و دیگران، ۱۳۹۴، بررسی عوامل موثر بر شهرنشینی و توسعه شهری در دوره ساسانی، اولین کنفرانس بین المللی مهندسی عمران، معماری و توسعه اقتصادی شهری، دانشگاه آزاد اسلامی شیراز، بخش علمی و پژوهشی فارس.
۶. اوستن، هنینگ فون؛ وناومان، هانس رودلف، ۱۳۷۳، تخت سلیمان، ترجمه فرامرز نجد سمیعی، تهران: سازمان میراث فرهنگی.
۷. بارتولد، واسیلی، ۱۳۵۸، تذکره جغرافیای تاریخی ایران، ترجمه حمزه سردادور، تهران: توس.
۸. بزنوان، رولان، ۱۳۷۹، فن آوری تاق در خاور کهن، جلد اول و دوم، ترجمه سید محسن حبیبی، تهران: سازمان میراث فرهنگی.
۹. بوسایلی، ماریو، شرآتو، امبرتو، ۱۳۸۳، تاریخ هنر ایران ۲، ترجمه یعقوب آژند، تهران: مولی.
۱۰. پیگولو سکایا، نینا ویکتورینا، ۱۳۷۲ و ۱۳۷۷، شهرهای ایران در روزگار پارتیان و ساسانیان، ترجمه عنایت الله رضا، چاپ دوم و سوم، تهران: علمی و فرهنگی.
۱۱. تشکری، عباس، ۱۳۵۵، ایران به روایت چین باستان، تهران: مؤسسه روابط بین الملل وزارت امور خارجه.
۱۲. تقوی نژاد دیلمی، محمدرضا، ۱۳۶۳؛ ۱۳۶۶، معماری، شهرسازی و شهرنشینی ایران در گذر زمان، چاپ دوم و چاپ چهارم، تهران: فرهنگسرا ویساوولی.
۱۳. توسلی، محمود، ۱۳۶۰، ساخت شهر و معماری در اقلیم گرم و خشک ایران، چاپ چهارم، تهران: رشیدیه.

۱۴. جامه بزرگ، عباس، ۱۳۸۹، جغرافیای تاریخی شهرهای ساسانی بر بنیاد باستان‌شناسی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد در رشته باستان‌شناسی، زاهدان: دانشگاه سیستان و بلوچستان.
۱۵. حبیبی، محسن، ۱۳۹۳، از شار تا شهر: تحلیلی تاریخی از مفهوم شهر و سیمای کالبدی آن تفکر و تأثر، تهران: دانشگاه تهران.
۱۶. حکیم، محمدمتقی‌خان، ۱۳۶۶، گنج‌دانش: جغرافیای تاریخی شهرهای ایران، تهران: زرین.
۱۷. خسروزاده، علیرضا، ۱۳۷۷، شهرسازی دوره ساسانی، پایان‌نامه دوره کارشناسی ارشد باستان‌شناسی، تهران: دانشگاه تربیت مدرس.
۱۸. خلیق، عباسعلی، مفرحی، حسین، ۱۳۷۶، مالکیت و طرح شهری، تهران: مرسل.
۱۹. دوکولانژ، فوستل، ۱۳۰۹، تمدن قدیم، ترجمه نصرالله فلسفی، تهران.
۲۰. راستی دوست، مصطفی، ۱۳۸۴، معماری صدر اسلام سیراف: مجموعه مقالات کنگره بین‌المللی سیراف، به اهتمام عبدالکریم مشایخی و غلامحسین نظامی، جلد دوم، بوشهر: نشر بوشهر.
۲۱. رجبی، پرویز، ۱۳۸۳، هزاره‌های گمشده، جلد چهارم، تهران: توس.
۲۲. رضایی‌راد، محمد، ۱۳۷۸، بنیاد فلسفی و اساطیری شهر ایرانی: مجموعه مقالات تاریخ معماری و شهرسازی، به کوشش باقر آیت‌الله زاده شیرازی، جلد اول، تهران: سازمان میراث فرهنگی.
۲۳. رضوانی، علی اصغر، ۱۳۸۶، روابط متقابل شهر و روستا با تأکید بر ایران، چاپ هفتم، تهران: دانشگاه پیام نور.
۲۴. زارعی، محمدابراهیم، ۱۳۸۴، آشنایی با معماری جهان، چاپ پنجم، همدان: فن‌آوران.
۲۵. سامی، علی، ۱۳۸۸، تمدن ساسانی، جلد اول، تهران: سمت.
۲۶. سرفراز، علی اکبر، ۱۳۶۶، بی‌شاپور: شهرهای ایران، به کوشش محمد یوسف کیانی، جلد دوم، تهران: جهاد دانشگاهی.

۲۷. سرفراز، علی اکبر؛ فیروزمندی، بهمن، ۱۳۷۳، مجموعه دروس باستان شناسی و هنر ایران در دوران تاریخی ماد، هخامنشی، اشکانی و ساسانی، تدوین حسین محسنی و محمد جعفر سروقندی، تهران: ققنوس.
۲۸. سلطانزاده، حسین، ۱۳۶۲، روند شکل‌گیری شهر و مراکز مذهبی در ایران، تهران: نشر آگاه.
۲۹. _____، ۱۳۶۵؛ ۱۳۶۷، مقدمه ای بر تاریخ شهر و شهرنشینی در ایران، تهران: آبی؛ امیرکبیر.
۳۰. سید سجادی، سید منصور، ۱۳۸۳، مرو: بازسازی جغرافیای تاریخی یک شهر بر پایه نوشته‌های تاریخی و شواهد باستان‌شناسی، تهران: سازمان میراث فرهنگی.
۳۱. شفقی، سیروس، ۱۳۸۶، به باززنده سازی سیراف بیندیشیم: مجموعه مقالات کنگره بین‌المللی سیراف، جلد دوم، به اهتمام عبدالکریم مشایخی و غلامحسین نظامی، بوشهر: انتشارات بوشهر.
۳۲. طاهری، علی، ۱۳۸۴، درآمدی بر جغرافیا و تاریخ نی‌شاپور، نی‌شاپور: سازمان میراث فرهنگی و گردشگری.
۳۳. فرای، ریچارد، ۱۳۸۱، سامانیان: تاریخ ایران از فروپاشی دولت ساسانی تا زمان ورود سلجوقیان، مترجم حسن انوشه، چاپ چهارم، جلد چهارم، تهران: امیرکبیر.
۳۴. فرید، یدالله، ۱۳۷۱، جغرافیا و شهرسازی، تبریز: دانشگاه تبریز.
۳۵. فریور صدری، بهرام، ۱۳۸۰، بافت و ساختار فضایی شهرهای سنتی ایران، مقالات دومین کنگره در تاریخ معماری و شهری‌بم-کرمان، تهران: سازمان میراث فرهنگی.
۳۶. فسایی، حسن، ۱۳۶۷، فارسنامه، به کوشش منصور رستگاری فسایی، تهران: امیرکبیر.
۳۷. فلامکی، منصور، ۱۳۶۶، مجموعه مقالات در شکل‌گیری شهرهای ایران، به کوشش محمد یوسف کیانی، جلد دوم، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
۳۸. کیانی، محمد یو سف، ۱۳۸۱، نظری اجمالی به شیوه شکل‌گیری دیوارها و استحکامات دفاعی به روایت تصویر، تهران: نسیم دانش.

۳۹. کریستن سن، آرتور، ۱۳۶۷؛ ۱۳۹۰، ایران در زمان ساسانیان، ترجمه رشید یاسمی، جلد ۴، تهران: امیرکبیر؛ صدای معاصر.
۴۰. گار سویان، نینا، ۱۳۸۳، بیزانس و ساسانیان: تاریخ‌ایران‌از سلوکیتتا سقوط دولت ساسانی، مترجم حسن انوشه، چاپ چهارم، جلد سوم، تهران: امیرکبیر.
۴۱. گیر شمن، رومن، ۱۳۷۸، ایران از آغاز تا اسلام، ترجمه محمد معین، تهران: علمی و فرهنگی.
۴۲. _____، ۱۳۹۰، هنر ایران در دوران پارتی و ساسانی، ترجمه بهرام فره‌وشی، علمی و فرهنگی.
۴۳. لینچ، کوین، ۱۳۸۱، تئوری شکل شهر، ترجمه حسین بحرینی، تهران: دانشگاه تهران.
۴۴. مجتهدزاده، غلامحسین، ۱۳۸۸، اصول و روشهای برنامه‌ریزی شهری، تهران: دانشگاه پیام نور.
۴۵. مستوفی قزوینی، حمدالله، ۱۳۳۹، تاریخ گزیده، به اهتمام عبدالح سین نوایی، تهران: امیرکبیر.
۴۶. مهدی زاده دهقانی، ناصر، ۱۳۸۶، تحلیلی از ویژگی‌های برنامه‌ریزی شهری در ایران، تهران: دانشگاه علم و صنعت.
۴۷. مقدسی، ابو عبدالله محمد بن احمد، ۱۳۶۱، احسن التقاسیم فی معرفه الاقالیم، ترجمه علی نقی منزوی، تهران: شرکت مؤلفان و مترجمان ایران.
۴۸. مک‌ماهون، سر آرتور هنری، ۱۳۷۸، نقشه‌برداری و اکتشافات جدید در سیستان: جغرافیای تاریخی سیستان، سفر با سفرنامه‌ها، ترجمه و تدوین حسن احمدی، تهران: نویسنده.
۴۹. مهرآفرین، رضا، ۱۳۹۳، شهرهای ساسانی، تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت)، مرکز تحقیق و توسعه علوم انسانی.
۵۰. مهریار، محمد، ۱۳۷۹، سیمای شهر بی‌شاپور در دوران اسلامی: مجموعه مقالات دومین کنگره تاریخ معماری و شهرسازی ایران، جلد سوم، تهران: سازمان میراث فرهنگی.
۵۱. نظریان، اصغر، ۱۳۸۸، پویایی سیستم شهری ایران، تهران: نوآوران.

۵۲. واندنبرگ، لویی، ۱۳۴۸ و ۱۳۷۹، باستان شناسی ایران باستان، ترجمه عیسی بهنام، چاپ اول و دوم، تهران: دانشگاه تهران.
۵۳. وبر، ماکس، ۱۳۶۹ و ۱۳۷۵، شهر در گذر زمان، ترجمه شیوا کاویانی، تهران: شرکت سهامی انتشار.
۵۴. ورجاوند، پرویز، ۱۳۶۶، شهرسازی و شهرنشینی در ایران: شهرهای ایران، به کوشش محمد یوسف کیانی، جلد چهارم، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
۵۵. هرمان، جورجینا، ۱۳۷۴، هنر سا سانیان: هنرهای ایران، ترجمه پرویز مرزبان، تهران: فرزانه.
۵۶. هرمان، جورجینا، پتر سون، لندرو، ۱۳۸۷، مروباستان، ترجمه سید محمود میر اسکندری، تهران: گنجینه هنر.
۵۷. هوف، دیتریش، ۱۳۶۴ و ۱۳۶۵، شهرهای دوره ساسانی: نظری اچ حلی به شهرنشینی شهر سازیدرایران، ترجمه محمد رحیم صراف، به کوشش محمد یوسف کیانی، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
۵۸. _____، ۱۳۷۴، شهرهای ساسانی: نظری اجمالی به پایتخت‌های ایران قبل از اسلام، به کوشش محمد یوسف کیانی، تهران: سازمان میراث فرهنگی.
۵۹. هیلن براند، روبرت، ۱۳۸۳، معماری اسلامی، ترجمه آیت الله زاده شیرازی، چاپ دوم، تهران: روزبه.
۶۰. یعقوبی، احمد بن ابی یعقوب، ۱۳۶۲، تاریخ یعقوبی، ترجمه محمد ابراهیم آیتی، جلد سوم، تهران: علمی و فرهنگی.
۶۱. یوسفی فر، شهرام، ۱۳۹۰، جستارهایی در مناسبات شهر و شهرنشینی در دوره سلجوقیان، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.

مقاله ها

آصفی، حمدالله، "نگرش به شهر و شهرنشینی"، ۱۳۶۸، سال ۹، شماره ۵، مجله علوم اجتماعی و علوم انسانی دانشگاه شیراز.

۲. آورزمانی، فریدون، « شهرهای ایران در زمان ساسانیان»، خرداد و تیر ۱۳۷۰، شماره ۳۲۵، ماهنامه فروهر.
۳. اشرف، احمد، "ویژگیهای تاریخی شهرنشینی در ایران دوره اسلامی"، ۱۳۵۴، سال ۱، شماره ۱، مجله علوم اجتماعی.
۴. بهرامی، اکرم، "شهرهای ساسانی"، ۱۳۵۶، سال ۷، شماره ۱۲، مجله تحقیقات تاریخی.
۵. رضوی، سید ابوالفضل، "ساختار زندگی شهری در ایران دوره اسلامی"، ۱۳۸۸، شماره ۱۳۴، کتاب ماه تاریخ و جغرافیا.
۶. ریاضی کشه، محمدرضا، "نیشابور از دیدگاه باستان شناسی"، ۱۳۷۱، سال ۶، شماره ۱ و ۲، مجله باستان شناسی و تاریخ.
۷. فقیه، نسرین، "بندر سیراف؛ شکل بندی شهر ایرانی در صدر اسلام"، ۱۳۵۴، شماره ۱۵۹ و ۱۶۰، هنر و مردم.
۸. کریمیان، حسن، سیدین، ساسان، "دارابگرد در انتقال از ساسانیان به دوران اسلامی بر اساس مستندات باستان شناختی"، ۱۳۸۹، سال ۷، شماره ۱۳، باغ نظر.
۹. مهرآفرین، رضا، احمدی هدایتی، ابراهیم، "چهار قاپی، آت شکده‌ای در کورستان خوربران"، ۱۳۹۰، سال ۸، شماره ۱۸، باغ نظر.

منابع خارجی

۱. Ghirshman, R. ۱۹۷۴, Firuzabad, Institute Fraçais Darcheologie Oriental du Cain, Paris. I.F.A.D.
۲. Huff. D. ۱۹۶۹, Zur Rekonstruktion des Turmes Von Firuzabad, Istanbuler Mitteilungen, 19/20, pp. 319-338.
۳. Huff. D. ۱۹۷۷, Aspect Historie et Archeologiques in Ghala Dokhtar, Atechkade, H. Hugi, Ecolepolytechnique, Federal, Zurich, Avril.
۴. Ruether, O. ۱۹۷۷, Sassanian Architecture in Survey of Persian Art, A/U/Pop, Vol. ۲, Third Edition With Bibliography and Addenda Published.
۵. _____. ۱۹۳۸. Parthian Architecture. In: A survey of Persian Art, vol. 1. ed. Arthur Upham Pope. Oxford University. 411-444
۶. Upton, J.M. ۱۹۳۲, The Expedition to Ctesiphon, ۱۹۳۱-۱۹۳۲, The Metropolitan Museum of Art Bulletin, Vol. 27, No. 8 (Aug. 1932), pp. 185, 188-197.
۷. Usmanova, Z.I. ۱۹۹۲, New Material on Ancient Merv, Iran, Vol. ۳۰, pp. ۵۵-۶۳.